



◆ مراجع سه گانه هر دو این طور بودند که بیشتر از دور ماجرا را رصد می کردند؟ نسبتاً.

◆ به واسطه این دوری، چه اشکالاتی در تلقی آنها از مشروطه ایجاد شده است؟
اشتباهات این است که منابع خبری آنها از نزدیک نیست. وقایع را همانند چیزهایی که حاج آقا نور... از نزدیک می دید، آنها نمی دیدند. بعضی از ایرادات مشروطه خواهان و افراط‌های آزادی خواهان را به سبب دوری متوجه نمی شدند. دورتر بودند و بیشتر حمل به صحت می کردند...

◆ هر خبری می رسید؟
هر خبری نه، این اندازه هم ناآگاه نیستند. من سال هاست که بعد از انقلاب، زمین فوتبال برفته‌ام. الان برداشت زیادی از زمین فوتبال ندارم چون تنها از تلویزیون دیده‌ام. تا ببینیم (قضاوت من)، قضاوت درستی نخواهد بود.
خیلی از وقایع را اگر آدم نبیند- همانند ایرانی‌هایی که خارج از کشور هستند و از شبکه‌های معاند خبرها را می شنوند - قدرت انتقال خود را نسبت به جامعه از دست می دهد. نمی تواند به درستی تشخیص دهد.

◆ نقش مردم چه می شود؟ اکنون که با استبداد روبه‌رو نیستیم، ولی با دولت مواجه هستیم، دولت هم خواه ناخواه توسط اقبال مردمی پیدا شده است. الان قائل به این هستیم که دو فاز داریم؛ فازی که با مردم امور جلو می رود و فاز دیگر اینکه توسط دیانت، امور منظم می شود. این دو را باید از هم جدا کنیم؟
می توانیم این چنین کنیم. این را در عالم نظر بیان می کنیم و نه عمل. الان نمی خواهیم حزب تشکیل دهیم و کسی را استیضاح کنیم. ما در عالم نظر، هر کاری بخواهیم می توانیم انجام دهیم. ذهن قادر به تفکیک است. در فلسفه این کار را می کنند و در فلسفه سیاسی هم این چنین است.

◆ بالاخره شأن مردم را چطور می خواهیم در نظر بگیریم؟
شأن مردم در مورد دولت‌ها؟

◆ بله.

همان قدر که پوشاندن اشتباهات و انکار اشتباهات اشتباه است، بزرگ کردن اشتباهات و درس بد گرفتن از اشتباهات هم اشتباه است.
اشتباه را باید ببینیم و درست تجربه و تحلیل کرده و سعی کنیم دوباره تکرار نکنیم

مقصر هستند چون دولت‌ها مردمی است و پادشاهی که نیست. به هر دلیلی مردم بی جهت به آن اعتماد کردند و فریب شعارهای کسی را خوردند، (مقصر خواهند بود). ما هم که طرفدار نظام هستیم، در درجه دوم سهیم این [ماجرا] هستیم و نمی توانیم از این بگذریم. ما هم سهیم هستیم گرچه متهم درجه اول نیستیم.
همه کارهای دولت‌ها هم البته بد نیست و [نباید] فقط کارهای اشتباه را ببینیم؛ کار درست هم دارند. شما تاریخ را باید بخوانید، منصف باشید و اعتدال هم در گفتار باید داشت. برخی خطاهای دولت هم برای خود دولت نیست بلکه به سبب شرایط زمانه است، مثل انتخابات آمریکا. ولی حرف این است که چرا این میزان خود را به شرایط بین الملل بسته‌اید که تحولات بین الملل این میزان مهم شود. [حتی] در دوره جنگ (هم که در اوج دشواری بودیم،) امام (ره) این کار را نکرد و خود را به [شرایط] بین الملل نیست، بلکه به داخل تکیه کرد؛ طبیعتاً باید چوب این اشتباه را هم خورد. مردمی که به این روند [وابستگی به قول و قرارهای دیگران] اعتماد می کنند هم [مقصر] هستند. [این مطالب] دلیل بر این نیست که دیگر انتخابات نشود یا نظام از هم بپاشد. اصلاً.

اینها هست و باید بررسی و آسیب شناسی کنیم تا این اشتباهات کمتر شود. بعضی می گویند این طور شد، پس جمهوری ریش بیخود است. این چنین نیست. بعضی هم می گویند این طور شده پس [برویم سراغ] رضا پهلوی! نه؛ این حرف‌ها بیخود است. ما یک ملت زنده هستیم. همان قدر که پوشاندن اشتباهات و انکار اشتباهات، اشتباه است، بزرگ کردن اشتباهات و درس بد گرفتن از اشتباهات هم اشتباه است. اشتباه را باید ببینیم و درست تجربه و تحلیل کرده و سعی کنیم دوباره تکرار نکنیم. همانند انسانی که یک راهی را تا نیمه، اشتباه رفته است و برمی گردد. از آن قسمتی که اشتباه کرده است، [برمی گردد به آنجا و] این بار راه درست را می رود. باید ببینند، تاریخ را بخوانند تا بدانند از کجا و چه مقدار اشتباه کرده است و حال این اشتباه را جبران کند. در مورد دولت نیز همین است. اگر با این ملاک بخواهیم به دولت‌ها پردازیم، باید ببینیم کجا اشتباه کرده است، اشتباهات را توجیه نکنیم و به آن جایی که اشتباه کرده دوباره برگردیم و دوباره سعی کنیم آن اشتباه را تکرار نکنیم. اینکه به نفع چپ یا راست می شود، عوارض بعدی است. ما اصولاً به عوارض بعدی فکر می کنیم و بعد حرف می زنیم. این درست نیست. ابتدا باید حرف را بیان کنیم و عوارض بعدی که چه کسی چقدر خوب می خورد و چه کسی چقدر جایزه می گیرد، به تاریخ ربطی ندارد، بلکه مربوط به بعد از آن است و به مردان سیاست مربوط می شود.

◆ یکی از صاحب نظران با مجله‌ای مصاحبه کرده و گفته است در حکومت جای فلسفه‌ورزی نیست و باید در حکومت از تجربه موفق دنیا استفاده کنیم. ما از تجربه موفق دنیا استفاده نمی کنیم؟

چطور از تجربه دنیا استفاده نمی کنیم؟ چه کار باید بکنیم؟ آن استاد ابتدا باید قدری وضع حاضر را به گردن بگیرد. به هر حال ایشان خود در این وضع چه از لحاظ حمایت از تاکتیکی که ما را به اینجا رسانده و چه از لحاظ تصمیم سازی، سهیم بوده است. اکنون هم جزء دار و دسته هستند. موضوع این است که اگر ایده‌ها موفقیت آمیز باشد پای حساب خود می گذارند و هر جا کار خراب شود، پای حرف‌های شاعرانه می گذارند و چنان کلی صحبت می کنند که [یقه] هیچ کسی را نتوانیم بگیریم. تقصیر دنیا [یا] تقصیر تجربه نگرفتن از دنیا است؟ پس شما چه کاره هستید؟ می‌خواستید تجربه را کسب کنید. اینکه نتوانستید از دریای پر از ماهی، چیزی صید کنید، تور شما سوراخ بوده است. تور خود را درست کنید. می‌توانستید تجربه دنیا را بخوانید. قلم هم که در دست‌تان بود. روزنامه هم که داشتید و نوشتید.

این حرف‌های کلی، چه حرف‌های ناامید کننده و چه حرف‌های امیدوار کننده - که قابل احصاء نباشد - اصلاً قابل بحث نیست. ما باید از کدام تجربه دنیا استفاده می کردیم که نکردیم یا کوتاهی کردیم؟ کدام را شما بیان کردید و کسی گوش نکرد؟ این را مشخص کنید.

◆ همین ایشان سال ۹۴ یک مصاحبه داشته است و گفته هر دولتی در ایران بر سرکار می‌آید «تصمیم آمریکا» این بود که ایران به ثبات اقتصادی برسد و منطقه امن شود. گفته است حتی اگر احمدی نژاد هم بر سرکار می‌آید، باید تعامل می‌کرد! و فرقی بین احمدی نژاد و روحانی نبود. اما در این مصاحبه اخیر گفته‌اند که توقعات روحانی و ظریف از برجام، از ابتدا اشتباه بود...

اینها نوعی فرار است. اینها نمی خواهند قبول کنند که اشتباه کرده‌اند. در میان مردان مشروطه هم [این طور کسانی] داریم. می‌گوییم چرا رضاخان از دل مشروطه درآمد، هزار توجیه می‌آورند. این توجیهات را در تاریخ هم داریم. اینکه چند درصد این مطالب درست است و چند درصد حب و بغض و منافع شخصی و حزبی آنهاست، باید [اینها را] از هم جدا کنیم.

◆ با این اوصاف، وضع ما از مشروطه تاکنون تغییر چشمگیری نداشته است. همان طور که مشروطه می‌تواند به رضاخان مبتلا شود، انقلاب اسلامی هم می‌تواند گرفتار بعضی دولت‌ها باشد.

بله، این را بیان کردم و مکانیسم می‌تواند این چنین باشد.
◆ آیا قرار نیست از این وضع خارج شویم و راهی برای این مشکل پیدا کنیم؟
آگاهی و عمیق بودن در تاریخ است. درس عمیق گرفتن؛ راهکار است. همانند بیماری که دکتر به او گفته این داروها را بخورید، نیمی را خورده و نیمی را نخورده است. به دکتر می‌گوید راهکار چیست؟ دکتر می‌گوید داروها را درست بخورید.